

به این دلیل است که "می‌باید دولتی فلسطینی وجود داشته باشد؟" و با "فلسطینیان نیز حق دارند حکومتی از آن خود داشته باشند؟"

به نظر می‌رسد که این مطلب نمی‌تواند چندان قوتی داشته باشد، چرا که می‌توان در مقابله با آن این سؤال را مطرح کرد که: "دولت فلسطینی چه مزیتی بر دولت اسرائیل دارد؟" و یا گفت: "مگر اسرائیلیان (یا به قولی یهودیان) حق تشکیل حکومت را ندارند؟" هرگونه پاسخی به این سؤال دلیل اصلی هم‌صدایی خلق‌های کشورهای تحت‌سلطه و عموم جهانیان با آرمان فلسطین را آشکار می‌کند: ماهیت صهیونیسم.

صهیونیسم با مدعای "قوم برتر یهود" و "تفکیک اجتماعی - سیاسی یهود و عرب"، یکی از زوایید امپریالیسم برای کنترل سیاسی منطقه است. امپریالیسم با استفاده از حربه‌هایی نظیر ادعای قوم برتر، نژاد برتر و... ضمن ایجاد تفرقه در بین خلق‌های جهان و ایجاد کانون‌های بحران در مناطق مختلف جهان، تصویری دیگر از انسان‌ارایه داده و به اختلافات بین انسان‌ها ماهیتی ذاتی و لاینفیر می‌بخشد. این چنین تصویری، امکان ایجاد وحدتی پایدار را در اذهان از بین برده، زمینی لازم را برای ایجاد تنش‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. حال آن‌که سیر تکاملی علوم و دانش بشری حاکی از آن است که جهان فردا متعلق به انسان‌هایی است که یک‌صدا و با تلاشی هماهنگ در پی تسلط بر جهان باشند. امروزه نیز کلیه‌ی خلق‌های جهان خود را در تمامی دستاوردهای مادی و معنوی بشر سهیم دانسته و خواهان ادامه‌ی مشارکت در این زمینه هستند و این تنها در سایه‌ی حاکمیت دولت‌هایی دموکراتیک محقق می‌شود. اما صهیونیسم با ادعای قوم برتر ضمن زایل کردن حقوق عامه‌ی مردم فلسطین، با دیگر ملل نیز از در ستیز درآمده است و مانع تشکیل حکومتی دموکراتیک در فلسطین و ایجاد محیطی دموکراتیک، در منطقه شده است. اعتراض به غیردموکراتیک بودن حکومت اسرائیل منحصر به اعراب فلسطینی نیست و بسیاری از ساکنان یهودی آن کشور نیز خواهان تشکیل دولتی بر مبنای تساوی حقوق کلیه‌ی ساکنین می‌باشند. این چنین است که مساله فلسطین و هم‌صدایی جهانیان با آن از چهارچوب اخلاقیات بیرون آمده و بر پایه‌هایی عینی قیام می‌گیرد. این منافع مشترک بین خلق‌هاست که ناپودی صهیونیسم را می‌طلبد. پس مساله فلسطین، مساله حذف صهیونیسم است.

اما آن‌چه که در طرح تشکیل دولت مستقل فلسطینی بدست آمده است "حاکمیت فلسطینیان" است، آن هم در حسن همجواری با صهیونیسم؟! برخی مدعی هستند که در این طرح صهیونیست‌ها حق حاکمیت فلسطینیان را به رسمیت شناخته‌اند و این دستاوردی بزرگ در تاریخ معاصر است. اما اینان چند مساله را فراموش کرده‌اند. نخست این که گردانندگان حکومت فلسطینی نیز متقابلاً حاکمیت صهیونیسم را پذیرفته و مطابق عهدنامه منعقد شده آن را به رسمیت شناخته‌اند. دومین مساله نیز همان جنبه اصلی جنبش فلسطین است یعنی مبارزه با صهیونیسم.

پس دولت مستقل فلسطین هدفی جدا و نهایتاً متضاد با منافع تاریخی جنبش فلسطین دارد و تنها ارض‌ناکننده‌ی صاحبان گرایش‌های به ظاهر ملی‌گرایانه و تشنه‌ی قدرت است و این همان اختلاف مورد بحث است. بد نیست نگاهی نیز به تلاش امپریالیست‌ها در این معامله بیفکیم و جوایز پامخ این پرسش‌ها شویم که "چرا تشکیل دولت فلسطینی این همه مورد توجه و استقبال اینان است؟ مگر ذات این دولت چیست و در چه شرایطی متولد گردیده است؟ چرا پس از اوج‌گیری قیام ملی انتفاضه، قطع‌نامه‌ای را که چندین دهه‌ی پیش توسط سازمان ملل به تصویب رسیده بود، دوباره زنده کرده و حول آن به فعالیت پرداخته‌اند؟ آیا جز این است که برای امپریالیسم و صهیونیسم انتفاضه بسیار مهلک‌تر از دولت مستقل فلسطینی است؟" این مسایل نظریه‌ای را شکل می‌دهد که تشکیل دولت فلسطینی پامخ گروهی خاص از فلسطینیان به سؤال نخستین است. گروهی که نهایتاً ذی‌نفع بوده و دلیلی برای پیمودن راه "انتفاضه" ندارد؛ اما همان‌طور که اشاره شد منافع خلق فلسطین و هم‌چنین بشریت چیز دیگری را می‌طلبد. □

مازیار صالحی

## گذری بر معاهده‌ی صلح

### فلسطین - اسرائیل

در تحلیل پدیده‌های اجتماعی، آن‌جا که ضرورت ارزش‌یابی مطرح می‌شود، پای نظام ارزشی و نتیجتاً پایگاه طبقاتی تحلیل‌گر به میان باز شده و وابستگان به طبقات مختلف، برخوردهای مختلفی با پدیده‌های به ظاهر یکسان ارایه می‌کنند، گویی اختلاف‌نظر بین اینان ناشی از اختلاف سلیقه‌هاست. حال آن‌که مساله در «متفاوت دیدن» پدیده است. به عبارت دیگر ریشه اختلاف مذکور، نه فقط در نظام ارزشی بل‌که در زاویه برخورد با خود پدیده و شناختی است که از آن دارند.

مساله تشکیل دولت مستقل فلسطینی نیز مساله‌ای است که هم در سطح نظام ارزشی و هم در سطح شناخت، می‌تواند اختلاف‌زا باشد. می‌توان بحثی پیرامون خوب یا بد بودن و یا تا چه حد خوب و بد بودن تشکیل دولت مذکور آغاز کرد، اما آن‌چه که به نظر می‌رسد جای آن در زمان حال خالی است. این سؤال است که مساله فلسطین چیست؟ آیا هم‌صدایی خلق‌های کشورهای تحت‌سلطه با جنبش فلسطین (که بنابر گرواهی تاریخ تاکنون مداوم بوده است)

## هشتمین کنفرانس

### جنسیت و علم و تکنولوژی

انجمن بین‌المللی «جنسیت و علم و تکنولوژی» در فاصله‌ی ۱۵ تا ۲۰ دی ماه ۱۳۷۴ (۵ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۹۶) هشتمین کنفرانس بین‌المللی جنسیت و علم و تکنولوژی (Gender and science and technology international conference - gasat) را در احمدآباد گجرات هند برگزار کرد. اهداف این انجمن عبارتست از<sup>(۱)</sup>:

- برانگیختن پژوهش در جنبه‌های مختلف تفاوت‌های زنان و مردان در آموزش علم و تکنولوژی و اشتغال در این زمینه.
- فراهم آوردن تسهیلات ورود زنان به اشتغال در زمینه‌های علم و تکنولوژی و پیشرفت آنان در این شغل‌ها.
- رواج دادن علم و تکنولوژی دربرگیرنده‌ی تعهد اجتماعی و توجه به هر دو جنس.
- تدارک گردهم‌آبی‌هایی به منظور بحث درباره‌ی یافته‌های تحقیقاتی و تجربیاتی که در این زمینه به دست می‌آید.
- به وجود آوردن شبکه‌ی پشتیبانی برای هدایت کارهای تحقیقاتی انجام شده در جهت دستیابی به اهداف پیش‌گفته.

میزبانان هفت کنفرانس پیشین *gasat* از سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به این سو، به ترتیب هلند، نروژ، انگلستان، آمریکا، اسرائیل و کانادا بوده‌اند. این اولین باری بود که این کنفرانس بین‌المللی در یکی از کشورهای در حال توسعه برگزار می‌شد و برگزارکنندگان حداکثر کوشش را به کار برده بودند تا کنفرانس، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، به بهترین وجه برگزار شود. در این کنفرانس حدود ۲۲۰ نفر از ۴۰ کشور جهان شرکت کردند. برنامه‌ی کنفرانس شامل ارائه‌ی حدود ۱۱۰ مقاله، برگزار ۱۱ کارگاه و میزگرد، ۷ سمپوزیم، ۵ مقاله‌ی ارائه‌شده به صورت پوستر و ۴ بحث جمعی بود. طبقه‌بندی کلی

● با توجه به این نکته که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نزدیک به نیمی از جمعیت کم‌تر از ۱۶ سال دارند، پرداختن به آموزش غیررسمی علم و تکنولوژی و فراهم آوردن برنامه‌های آموزشی مناسب برای دختران و زنانی که امکان ادامه‌ی تحصیل ندارند بسیار مهم است.

تکنولوژی‌های جدید به میدان می‌آیند زنان کنار گذاشته می‌شوند. تصویر علم و بیان و کاربرد آن شوقی در دختران نمی‌انگیزد. در آموزش علوم دبیرستانی پیشینه‌ی فرهنگی و اجتماعی جامعه در نظر گرفته نمی‌شود. آموزش رسمی در کتاب‌های درسی و علم به کار گرفته شده در زندگی روزمره رابطه‌ی چندانی ندارد.

با توجه به این نکته که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نزدیک به نیمی از جمعیت کم‌تر از ۱۶ سال دارند، پرداختن به آموزش غیررسمی علم و تکنولوژی و فراهم آوردن برنامه‌های آموزشی مناسب برای دختران و زنانی که امکان ادامه‌ی تحصیل ندارند بسیار مهم است، خاصه برای زنان روستایی تا بتوانند درآمد خود را به رسمیت بشناسانند و فشار کاری خود را کاهش دهند.

پرداختن تعداد بیشتری از زنان به علم و تکنولوژی مهم است اما مهم‌تر آن است که بتوانیم علم و تکنولوژی را به مقیاس وسیع به میان زنان ببریم، کیفیت زندگی آنان را بهبود بخشیم و به آن‌ها کمک کنیم تا در تصمیم‌گیری‌های جامعه نقش فعال داشته باشند. این امر مستلزم آن است که سواد علمی به وجود آید. علم را باید نه تنها مجموعه‌ای از اطلاعات و مهارت‌ها، بلکه عامل به وجودآورنده‌ی نگرش و اخلاق علمی دانست. دکتر سارابای، دانشمند معروف شهر ما احمدآباد، همیشه می‌گفت، پیشرفت هر جامعه با درک علم در آن جامعه و با این امر که مردم عادی تکنولوژی‌های ساده را در سطح وسیع به کار گیرند، پیوند نزدیک دارد و من این جمله‌ی دکتر سارابای را چنین تکمیل می‌کنم: «پیشرفت هر جامعه با درک علم در آن جامعه و با این امر که مردم عادی، خاصه زنان، تکنولوژی‌های ساده را در سطح وسیع به کار گیرند، پیوند نزدیک دارد.» هدف اصلی ما افزایش سواد علمی و مهارت‌های تکنولوژیکی زنان، در همه‌ی سطوح است.

از ایران دو نفر در این کنفرانس شرکت داشتند که یکی از آن‌ها (نگارنده)، مقاله‌ای با عنوان «زنان ایران در انجمن‌های علمی» ارائه کرد.

هم‌زمان با برگزاری کنفرانس، کتابی حاوی چکیده‌ی مقالات ارائه‌شده در کنفرانس و دو جلد کتاب حاوی متن کامل این مقالات با عنوان:

*Achieving the four E's: Education, Employment, Empowerment, Equality*

(دستیابی به آموزش، اشتغال، اختیار، برابری) انتشار یافت. مقالاتی که بعد از موعد مقرر به کنفرانس رسیده بود در جلد سوم این کتاب منتشر خواهد شد. □

پی‌نوشت‌ها:

۱- هل از خبرنامه‌ی شماره‌ی ۶ انجمن، نوامبر ۱۹۹۵.

۲- هل از خبرنامه‌ی کنفرانس شماره‌ی ۲، ۶ ژانویه ۱۹۹۶.

- مقالات به صورت زیر بود:
- علم و تکنولوژی و تحقق اجتماعی آن
  - آموزش رسمی
  - آموزش غیررسمی
  - آموزش عالی
  - مسأله‌ی آموزگاران
  - علم و جامعه
  - اشتغال
  - پیشرفت زنان در امر توسعه
  - کامپیوتر و جامعه
  - بازسازی و تغییرات اجتماعی

یکی از مشخصه‌های این کنفرانس تلاش برای بردن علم از پشت میزها به میان مردم بود و دیگر آن که انجمن برگزارکننده تلاش می‌کرد کارهای تحقیقاتی را هر چه بیشتر به عمل نزدیک کند و راه را برای حرکت‌های آینده مشخص سازد. برای تشویق شرکت‌کنندگان به تبادل‌نظر با یکدیگر کلیه‌ی شرکت‌کنندگان را در حدود ۲۰ گروه، به نام «گروه‌های دوستانه» جا داده بودند و اعضای این گروه‌ها در جلساتی غیررسمی به بحث و گفتگو می‌پرداختند و چنانچه گروه به نتایج مشخصی دست می‌یافت به انجمن منتقل می‌کرد.

شاید بتوان با نقل بخشی از گفته‌های رئیس کنفرانس، خانم دکتر چیشری میتا، در روز افتتاحیه تا حدودی روح کنفرانس را منتقل کرد:<sup>(۲)</sup>

«... بسیاری از زنان به آموزش علم و تکنولوژی دسترسی ندارند. زنان پدیدآورندگان و استفاده‌کنندگان علم نیستند. علم و تکنولوژی به همه زنان، اعم از روستایی، خانه‌دار و محقق، تعلق دارد. حرکت کردن از علم نهادی‌شده‌ی متمرکز به سوی علم مردمی، نیازمند تغییر سیاست‌ها و نگرش‌هاست. بسیاری از مطالعاتی که در جهان صورت گرفته نشان می‌دهد هر زمان که